

## قیام

## قیامت

(۲)

آیت الله حسین نوری

موضوع قیام قیامت یکی از مسائل مهم قرآنی و اسلامی است که بر این اساس یک رستاخیز جهانی و تحوّل عالمگیر و همگانی در انتظار جهان کنونی است.

پشاهنگ قیامت از هم پاشیده شدن میلیاردها ستاره که هر یک مرکز منظومه ای و هر کدام جهانی است میباشد.

مقدمه قیام قیامت بهم خوردن واسطکاک شدید میلیونها اجرام بسیار سنگین کیهانی و تیره شدن چهره خورشید و تاریک شدن سیمای ماه و خاموش شدن چراغهای آسمانی است و بالأخره قیام قیامت یعنی پدید آمدن زلزله های شدید و کوبنده ای که پست و بلندیهای زمین را درهم خواهد کوبید و دریاها را متفجر خواهد ساخت و کوههای عظیم را مانند پنبه متلاشی خواهد ساخت قبل از هر چیز باید بدانیم که این پیشگویی قطعی قرآن مجید و این اخبار از دگرگونی و تحول جهانی یکی از معجزات علمی قرآن است زیرا در آن عصری که این کتاب بزرگ از جانب خداوند نازل گردید یعنی در حدود ۱۴ قرن قبل کلیه محافل و مراکز علمی جهان آسمانها و اجرام آسمانی را «آبدی» و جاویدان میدانستند و چنین معتقد بودند که ستارگان و خورشید و ماه و بالأخره کلیه عناصر فلکی (طبق اصطلاح و عقیده آنروز) تافته ای جدا بافته میباشند و هرگز در آنها «کون و فساد» راه پیدا نمیکند و رسیدن دست فنا و انقراض از دامن آنها کوتاه است و بر این اساس احدی تصور نمیکرد که روزی فرا میرسد که چراغ خورشید خاموش و چهره ستارگان درخشان تیره شود و میلیاردها اختر آسمانی که هر یک مانند خورشید منبع نور و کانون حرارت میباشند و بلکه هزاران مرتبه از خورشید روشنتر و از لحاظ حجم بزرگتر و از جهت وزن سنگین تر هستند پراکنده و خاموش

حقیقتی که یک نفر درس نخوانده و استاد ندیده و از بلاد غرق در ظلمت و جهل برخاسته دست یافت و در مقابل آن بزرگ مرد الهی خاضع گردید و این حقیقت را درک کرد که معلّم و مربی این شخصیت عظیم آفریننده اینجهان با عظمت است و او در پس آینه وحی قرار گرفته و آنچه را که آن استاد ازل گفت بگو گفته است ضمناً باید توجه داشت یکی از راههایی که پیشرفت علم از آن راه باین راز قرآنی نائل گردید این است که در دنیای علم این مطلب ثابت شد که در درون کلیه ستارگان که منبع نور و حرارت و هر یک مانند خورشید مرکز منظومه ای هستند تشعشع و «تبدیل ماده به انرژی» بطور مداوم صورت میگیرد و همه آنها مانند شمع میسوزند و به تحلیل میروند.

و بعبارت دیگر در ساختمان ستارگان «هیدروژن» بطور فراوانی وجود دارد و در اثر فعل و انفعالات شدیدی که در پیکر آنها با قدرت پروردگار عالم صورت میگیرد اتمهای هیدروژن با سرعت بسیار زیادی بحرکت در میآیند و یکدیگر اصابت میکنند و در نتیجه طوفان بمبارانهای اتمی «هیدروژن موجود» به انرژی تبدیل میشود و نتیجه این تبدل و تحوّل علاوه بر پخش نور و حرارت در فضا باقی ماندن مقداری «هلیوم» در پیکر ستارگان است بطوری که میتوان این «هلیوم» را خاکستر باقی مانده از این تشعشع و سوختن دانست مثلاً خورشید در هر ثانیه مقدار ۴ میلیون تن انرژی در فضا پخش میکند و در نتیجه مقداری از جرم خود را از دست میدهد<sup>۱</sup> و به این مطلب نیز باید توجه داشت که آن نیرویی که ستارگان را در مدارات و جایگاههای خود مانند کابلهای محکم و پولادین نگاه داشته است «نیروی جاذبه است و نیروی جاذبه با مقدار جرم این کرات آسمانی ارتباط دارد».

شوند و نظام آنها بهم بخورد در چنین روزی شخصیت بزرگی با خواندن آیاتی از قرآن مقدس که با قاطعیت و صراحت از بهم خوردن نظام عالم و انقراض جهان با تعبیراتی از قبیل «اذا الشمس کورت و اذا النجوم انکدرت و اذا الجبال سیرت»<sup>۲</sup> یا «و اذا السماء انفطرت و اذا الکواکب انثرت و اذا البحار فقرت»<sup>۳</sup> سخن می گفت این تحوّل و دگرگونی عظیم و این انقراض عالمگیر را اعلام کرد.

تا اینکه پس از قرنها چهره هائی از دانش و تحقیق پدید آمد و تحقیقات چشمگیری در علوم فضائی و هیأت صورت گرفت و رصدخانه های مدرن و با شکوه تأسیس گشت و تلسکوپهای مجهز و نیرومند و دستگاہهای طیف نما و عکسبرداری از آسمان اختراع گردید بشریت به آن



بر اساس قانون جاذبه کلیه اجسام بزرگ و کوچک در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و یکدیگر را جذب میکنند و این کشش یا دو چیز بستگی دارد: «جرم و فاصله» ولی با این تفاوت که با جرم نسبت مستقیم و با فاصله نسبت معکوس یعنی: هر قدر که جرم یک جسم بیشتر باشد نیروی کشش آن نیز زیادتر است مثلاً چون جرم خورشید ۳۳۳ هزار برابر زمین است زمین ما مانند سیارات دیگر (عطارد، زهره، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و پلوتون) تحت تأثیر جاذبه خورشید قرار میگیرد و بر گرد آن میچرخند و نیز چون جرم زمین ۸۱ برابر جرم ماه است لذا ماه تحت تأثیر جاذبه زمین قرار میگیرد و به دور زمین میچرخد ولی هر اندازه فاصله دو جسم بیشتر باشد تأثیر جاذبه کمتر میشود و به نسبت مجذور این فاصله نیروی جاذبه کاهش مییابد مثلاً اگر این فاصله دو برابر شد نیروی جاذبه چهار برابر کمتر میشود اگر سه برابر شد نه مرتبه و همچنین مثلاً فاصله «زحل» از خورشید ۹ برابر فاصله زمین تا خورشید است لذا نیروی جاذبه خورشید نسبت به زحل ۸۱ مرتبه کمتر از نیروی جاذبه خورشید نسبت بزمین است.

و بطور مختصر فورمول جاذبه این است که «دو جسم یکدیگر را به نسبت مستقیم جرم و به نسبت معکوس مجذور فاصله جذب میکنند».

و با این قانون و فورمول جاذبه و دیگر قوه گریز از مرکز با قدرت پروردگار جهان تمام حرکات و برقرار بودن هر یک از اجرام آسمانی در مدار خود تنظیم شده است ولی در نتیجه تشعشع مداوم آنها که شرح داده شد از جرم آنها بتدریج کاسته شده نیروی جاذبه آنها نیز کاهش مییابد تا بالاخره مانند گردنبندی که رشته رابط مهره‌های آن پاره شود قوه جاذبه‌ای که آنها را با هم ارتباط داده بود ضعیف و کم اثر میگردد تا اینکه میلیاردها ستاره مانند مهره‌های آن گردنبد هر یک از جای خود خارج شده در فضا با هم باشدت برخورد میکنند و ما برای بیان این اصطکاک عظیم و این تصادم شدید که میلیاردها

ستاره با عظمت‌های سهمگین در فضا بهم میخورند چه میشود؟ تعبیری جز این که بگوئیم قیامت بر پا میشود نداریم.

•••

در اینجا برای اینکه نمونه‌ای از تعداد این ستارگان و اینکه آنها با چه ترتیب و وضعی در پهنة بیکران فضا حرکت میکنند را ذکر کرده باشیم توجه شما را باین مطلب جلب می‌کنیم: علمای علم هیأت پس از تلاش و کوششهای مداوم و تأسیس رصدخانه‌های بلند و با عظمت و اختراع تلسکوپهای مجهز و دستگاههای تجزیه نور و دوربینهای نیرومند عکسبرداری از آسمان، در باره وزن و حجم و فاصله و درجات درخشندگی این اختران تابناک معلومات ارزنده‌ای بدست آوردند و نیز باین نکته پی بردند که آنها در این جز پهناور بدون نظم و حساب پراکنده نیستند بلکه مجموعه‌ها و منظومه‌های منظمی را تشکیل میدهند و این «مجموعه‌ها» متفاوت میباشد و از دو عدد شروع میشود و بالاخره به ده‌ها و صدها و هزاران عدد بالغ می‌گردد که کاروانهائی را تشکیل میدهند و با هم در فضا میخرامند و گاهی هم مجموعه بزرگتری را که «کهکشان» نامیده میشود بوجود میآورند.

مثلاً ستاره قطبی «شمدی» هر چند با چشم عادی یک ستاره بنظر میرسد ولی بوسیله تلسکوپهای نیرومند ثابت گردیده است که از ۳ ستاره تشکیل یافته که یکی از آنها در ظرف ۴ روز بگرد دیگری و در عین حال این دو هم دور ستاره سوم در ظرف ۲۰ سال یکمرتبه گردش میکند!

و نیز مثلاً «پروین» که در زبان عربی «ثریا» نامیده می‌شود و ۳۰۰ سال نوری از ما فاصله دارد یعنی «نور» که در هر ثانیه ۳۰۰ هزار کیلومتر راه طی میکند ۳۰۰ سال طول می‌کشد تا از مجموعه پروین بزمین ما برسد. یکی از مجموعه‌های زیبای آسمان است که با چشم غیر مسلح چنان بنظر می‌رسد که از ۷ ستاره

تشکیل یافته است ولی با دوربینهای نیرومند این حقیقت به ثبوت رسیده است که خوشه پروین از تعداد ۴۰۰ خورشید بوجود آمده است که هر یک از آنها هزار بار درخشان‌تر از خورشید ما میباشد. و بالاخره بزرگترین مجموعه‌های آسمانی که از میلیاردها ستاره که با هم انسجام و ارتباط مخصوصی دارند بوجود آمده است «کهکشان» نامیده می‌شود.

برای معرفی کهکشان باید بگوئیم: در شبهای تابستان هنگامی که هوا صاف و غیر مهتابی است «نورپهن و سفیدی» که از یکطرف افق بطرف دیگر کشیده شده است و ستارگان در پهنة این نوار مانند دانه‌های برآق الماس تلالو و درخشندگی خاصی دارند را می‌بینیم این «نوار سفید» را «کهکشان» می‌نامیم.

البته این نام یک عنوان خیالی و یک نام افسانه‌ای است و بر اساس این تشبیه است که هنگامی که بار کاهی را از نقطه‌ای بنقطه دیگری حمل می‌کنند پره‌هائی از آن کاه در طول آن راه ریخته می‌شود و هر ناظری متوجه می‌شود که از این راه کاه حمل شده است روی این پایه ستارگان موجود در این قسمت از فضا را به دانه‌های کاه و این نوار را پان راه تشبیه کرده و آنرا «کاهکشان» گفته‌اند که بعداً برای اختصار کهکشان نام یافته است چنانکه اعراب آنرا از نظر تشبیه به نهر آب زلالی که در کف آن نهر دانه‌های برآق شن جلب توجه می‌کند تشبیه کرده مجرّه (یعنی نهر آب) می‌نامند چنانکه اروپائیان آنرا بر اساس این تشبیه افسانه‌ای که از پستان ماده گاو آسمانی شیر ریخته شده و در این قسمت از فضا پخش شده است «راه شیری» می‌گویند و اهل مکزیک آنرا خواهر قوس قزح (رنگین کمان) و بالاخره جمعی از مردم آنرا «راه مکه» می‌گویند اما همه اینها تخیلات است و حقیقت این است که کهکشان مجموعه‌ای است از انبوه ستارگان و این موضوع با اینکه از آغاز مورد

بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زین گونه علیها سلام الله فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می دانند آنچه بدست آورده اند بالاتر از جنات نعم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا».

ادامه دارد

۱- شیخ کلیسی «ره» از احمد بن عمر حلی از ابی بصیر نقل کرده است که وی به محضر مفسس امام ششم حضرت صادق «ع» رسید و از امام در باره حدیث معروف میان شیعه و سنی سؤال کرده است و آن حدیث این است که شیعه نقل کرده اند رسول اکرم «ص» بنای از علم بعلی «ع» یاد داده و از هر بابی هزار باب دیگر بر وی او گشوده شده است. امام «ع» فرمودند: نه یک باب بعلی تعلیم کرده است بلکه هزار باب به او یاد داده و از هر بابی هزار باب گشوده شده است. سائل پرسیده است: آیا این هم مانند علوم دیگر بوده است؟ امام «ع» پس از مدتی فکر کردن فرمودند: اگر چه این هم علم و معرفت است ولیکن با علوم و دانشهای معمولی دیگر متفاوت است. سپس امام «ع» ادامه دادند و فرمودند: یا ابامحمد در نزد ما جامعه است و در آن علوم و دانشهای ازلین و آخرین وجود دارد و همچنین با ما است مصحف فاطمه «ع» و در آن علم حوادث و وقایع از گذشته ها و آینده ها بطور تفصیل وجود دارد. و در روایات دیگر نیز این معنا تصریح شده است و لولاینکه خصوصیات آن بتفصیل

برای ما روشن نبوده و کیفیت آن نیز شناخته شده نمیباشد ولی آنچه که متواتر است و از ضروریات مذهب شیعه میباشد، این است که علم امامان شیعه «ع» با علم دیگران متفاوت بوده و در اثر ارتباط حقیقی بین نفوس قدسیه آنان با مبادی عالمه وجود از ناحیه ذات قدسی حضرت حق به آنان اعطاء شده است آیا بصورت الهام بوده و یا از طریق تحدیث و اخبار و حدیث گفتن بواسطه شخصی و یا چیزی بوده است و یا اینکه ملکی از ناحیه حضرت باری تعالی همراه آنان بوده و روح القدس همیشه مؤیدشان بوده است و یا اینکه مجموعه این ها بیک حقیقت بر میگردد؟ در هر صورت حقیقت این امر برای ما منکشف نشده است و ما از درک حقیقت آن عاجز هستیم و چیزی که برای ما مسلم و روشن است این است که علم امامان دین «ع» منحصر بشنیدن و نقل از دیگران و تعلم و یادگیری از اساتید نمیباشد برای اینکه اگر علوم آنان منحصر بهمان هائی بود که رایج در میان جامعه بشری است، فرقی میان آنان و دیگران باقی نمیشد و معنی نداشت رسول اکرم «ص» تعلیم این نوع علوم و دانشها را که در میان همه متداول و رایج است و همگان از آن برخوردارند و بهره میبرند، ممتاز داشت و بصورت مشخص و خاص بیان نماید و جفر و جامعه و مصحف فاطمه «ع» نیز بنظر میرسد، چیزهائی بوده که اقرا معمولی، نمیتواند از آن ها استفاده نموده و مطالبی بدست آورند و بفهمند و از مشخصات اولیاء الهی بوده و برای دیگران در آن حظ و راهی وجود ندارد و این موضوع از مسلمات شیعه است و از روایات زیادی بدست می آید و لولاینکه تفصیل آن را نتوانیم بفهمیم و درک کنیم. شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی جلد ۵. باب فیه ذکر الصحیفه و الجفر و الجامعه و مصحف فاطمه «ع» صفحات ۳۸۵، ۳۸۴ و پاوردی صفحه ۳۸۱. ش.

## بقیه از قیام قیامت

ستاره شماری پیردازند «در صورتی می توانند از عهدۀ شمردن همه ستارگان بر آیند که هر یک دارای ۳۰ هزار سال عمر باشند».

اینها که ذکر گردید نمونه ای از تعداد ستارگانی است که در مجموعه های کهکشانی وجود دارد ولی بطوری که دانشمندان این قرن می گویند: «دیوار حقایق مربوط به آسمانها بسیار بلند و طناب علم هنوز کوتاه است» اقا پس بردن بهمین اندازه هم برای فهمیدن عظمت تعبیرات قرآنی در بیان قیام قیامت که: «واذا النجوم انکدرت»، «واذا الكواكب انشثرت»<sup>۱</sup> یعنی: «روزی که ستارگان تیره و خاموش و پراکنده شوند» کمک شایانی می کند.

ادامه دارد

- ۱- سوره تکویر-آیه ۱-۳.
- ۲- سوره انفطار-آیه ۱-۳.
- ۳- از جهانهای دور ص ۲۴۳ و کتاب یک و دو ص ۳۹۱ و پیدایش و مرگ خورشید ص ۱۶۸ و ۲۶۶ و مرزهای نجوم ص ۲۳۷.
- ۴- مع الله فی السماء ص ۱۸۶.
- ۵- مرزهای نجوم ص ۱۵۱.
- ۶- مرزهای نجوم ص ۱۴۴ و ۱۸۶ و دنیای ستارگان ص ۱۴۳.
- ۷- مرزهای نجوم ص ۱۴۴.
- ۹- سوره تکویر-آیه ۲.
- ۱۰- سوره انفطار-آیه ۲.

کمک دستگاههای مجهز و نیرومند صنعتی و پشتیبانی علوم فضائی با قدم راسخ تری به مطالعه و کشف رموز بیشتر آسمانها پرداختند و از رمز این کهکشان گذشته و کهکشانهای بسیار زیادی را در اعماق فضا کشف کردند که تعداد آنها طبق گفتار و نوشتار صاحب نظران این فن لاقبل به رقم بزرگی یعنی ۱۰۰ هزار میلیون بالغ می شود.<sup>۷</sup>

این کهکشانهای نیز از ستارگان بسیار زیادی که تعداد آنها صد هزار میلیون یا بیشتر است تشکیل یافته است.<sup>۸</sup>

بنابراین تعداد مجموع ستارگانی که در کلبه کهکشانهای موجود است به رقم بسیار بزرگی که حاصل ضرب صد هزار میلیون کهکشان در صد هزار میلیون ستاره است بالغ می شود و آن رقم این است

$$۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

(ده هزار میلیارد میلیارد) برای مجسم کردن این رقم بزرگ کافی است که بگوئیم: اگر کلبه جمعیت روی زمین که تعداد آنها را اقلاً ۳ هزار میلیون فرض می کنیم برای سرشماری ستارگان بسنج شوند و خیلی با سرعت این عمل را انجام بدهند به طوریکه در هر ثانیه هر یک ۱۰ تا ستاره بشمارند و تمام عمر خود را از آغاز تا انجام به

توجه متفکرین بشر بود ولی گالیله با دوربین اختراعی پرده از روی این راز بطور کامل برداشت و در سال ۱۶۰۹ میلادی کهکشان را با دوربین خود مورد مطالعه قرار داد و دوربین خود را در امتداد کهکشان بجهات مختلف متوجه کرد و بهر طرف که نگاه کرد دید انبوهی از ستارگان در این مجموعه گرد آمده و این پدیده زیبا و با عظمت آسمانی را بوجود آورده اند از آن پس «هرشل» فلک شناس معروف با تلسکوپهای نیرومندتری آنرا مورد دقت و مطالعه قرار داد و اکتشاف گالیله را با قاطعیت هر چه بیشتر تأیید کرد و بعد از آن بهر اندازه که قدرت علمی و صنعتی بشر افزایش یافت بهمان نسبت چهره واقعی «کهکشان» نمودار تر و مشخصات آن روشنتر گردید و بالاخره امروز مسلم شده است که این کهکشانی که منظومه شمسی ما نیز یکی از اعضای آن بشمار می رود لاقبل از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (صد میلیارد) ستاره بوجود آمده است.<sup>۹</sup>

دانشمندان پس از اینکه به ماهیت نزدیکترین کهکشانهای که گفتیم منظومه شمسی ما یکی از اعضای آن بشمار می رود- پی بردند به